



مقاومت فردی را جمعی کنیم! یورش های رژیم را پس بزنیم!

آذر ماجدی

یافته است. بنظر میرسد جمهوری اسلامی به سیم آخر زده است.

اما بازگرداندن جامعه به دهه 60 دیگر امکان پذیر نیست. حتی اگر برای یک مدت کوتاه مردم عقب

بنشینند، سریعاً نیروی شان را جمع میکنند و پیشروی میکنند. هر بار که تعرضات وحشیانه رژیم به این ترتیب خنثی میشود، به زانو درآوردن مردم سخت تر میشود.

اما مساله اینجاست که عقب نشاندن رژیم اسلامی به شکل پایدار با مقاومت های فردی امکان متحد و تحت یک رهبری رادیکال تعرضات رژیم را پس زد و مقاومت را بشکل جمعی به تعرض بدل کرد. این تنها راه خلاصی از شر این رژیم منحوس است. در محلات، در محیط کار و در مدارس جمعهای آزادی زن را تشکیل دهید. بطور جمعی در مقابل اراذل و اوباش بایستید. این اولین قدم است. ما باید با هم رژیم را از پا بیاندازیم. به سازمان متحد و متشکل را علیه این نظام ارتجاع و سرکوب به پیش بریم.

ستم بر زن موقوف!
نه به حجاب!
نه به آپارتاید جنسی
زنده باد آزادی زن!

میدهد. گویی در پس این مقاومتها یک جنبش سازمان یافته وجود دارد. مقاومت در مقابل یورشهای رژیم به ذهنیت کلکتیو جامعه بدل شده است. زمانی که عربده کشی های حکومت آغاز میشود و برای زنان خط و نشان میکشد، اکثریت زنان میدانند که کسی



وقعی نخواهد گذاشت. دستورات و اوامر رژیم روی کاغذ میماند. از این رو است که خامنه ای دستور حمله وسیعتر و وحشیانه تر داده است. رژیم سوت حمله را با اعدام 12 انسان آغاز کرد و فیلم آن را نیز "برای عبرت" همه پخش کرد. هدف اصلی رژیم اسلامی خاموش و رام کردن همگانی است. عقب نشاندن مردم و مرعوب کردن جامعه است. اعدامها، حملات و یورشها، مامورین نقاب پوش و آفتابه انداختن به گردن جوانان همگی با این هدف سازمان

از اول مرداد رژیم اسلامی جنگ جدیدی را علیه زنان آغاز کرده است. جنگ خونین دو سه ماه اخیر کارساز نبوده است. به دستور خامنه ای نیروهای سرکوب دو برابر شده است. محدودیت ها سنگین تر شده است. جنگ بر سر مقدار حجاب و رنگ حجاب است. باور نکردنی است. در قرن بیست و یک زنان باید بر سر رنگ و شکل لباس شان با یک عده اراذل و اوباش درگیر شوند.

طی دو سه ماه اخیر اراذل و اوباش حکومتی هر روزه به زنان یورش بردند. با چوب و چماق به جان شان افتادند. جریمه شان کردند، زندانی شان کردند. اما نتوانستند این نسل جوان را به زانو درآورند. این نسل جوان سر تسلیم شدن ندارد. مقاومت وسیع و گسترده در مقابل این یورش پاسخ زنان به رژیم اراذل و اوباش بوده است. علیرغم اینکه مقاومتها فردی است، علیرغم اینکه در مقابل این یورش وحشیانه هیچگونه اعتراض جمعی و متشکل سازمان نگرفت، اما گستردگی مقاومت به آن یک شکل جمعی

در این شماره:

مقاومت فردی را جمعی کنیم!

آذر ماجدی

برابری زن و مرد به چه معنی است

نیما نامی

سرکوبهای جدید رژیم

پدرام شایان

گزارش مراسم ۱۸ تیر در گوتنبرگ سوئد

یک خبر خوب

دستاوردهای مرجان ساتراپی

اخبار هفته

علیه آپارتاید جنسی

برابری زن و مرد به چه معنی است؟

از نیما نامی خواننده نشریه

نامه ای از یک خواننده

سرکوبهای

جدید رژیم

تعرض گسترده رژیم به جامعه و به خصوص به جوانان باعث شده تا فضای جامعه ملتهبتر و آشفته‌تر از گذشته شود. هرچه از طرح رژیم میگذرد اعتراض مردم رادیکالتر و تیزتر میشود. البته باید این نکته را هم گفت که تا حدی این عملیات گسترده رژیم برای سرکوب توده‌های معترض، ترس را میان مردم وارد کرده، که یکی از اهداف کثیف رژیم هم در همین راستا بوده است. این موضوع را رژیم بارها و بارها از تلویزیونهای خود علنی اعلام و تکرار کرده که ما خواهان خلوت کردن خیابانها و خانه نشین کردن مردم هستیم. اما نکته اصلی دیگر این طرح، که می توان گفت به طور کامل اجرای آن شکست خورده و آن هم بی توجهی مردم به خصوص جوانان به تهدیدهای سرکوبگران و جنایتکاران رژیم است. یعنی زنان بعد از رفتن مزدوران رژیم با همان حجاب و وضع قبلی و در مواردی هم از دید رژیم بدتر از قبل، از خانه بیرون می آیند.

این موضوع باعث شد تا رژیم برای سرپوش گذاشتن روی شکست اجرای این طرح از اول مرداد سرکوب را شدیدتر و حلقه را برای مردم تنگتر کند و ما موران بیشتری را به خیابانها آورده تا به جان مردم بیفتند. این بار علاوه بر نیروی انتظامی، بسیج و اطلاعات راهم برای اجرای این طرح به یاری طلبیده. آنها نیز با اسم سربازان گمنام امام زمان دست به سرکوب و جنایت بر علیه جوانان و مردم میزنند. این دور از سرکوبها، رژیم دست به اعمال وحشیانه ضد انسانی وسیعی زده که حکومت را به

ادامه در صفحه ۴

بند کشیدن زنان و استفاده از نیروی کار آنها خود یکی از عوامل سرکوب کارگران مرد است، که باید برای تهیه مایحتاج زندگی خود وابسته و پایین بمانند. بنابراین آزادی زن راهی برای آزادی کل جامعه میباشد.

نمی‌توان گفت که جوامع غربی به دست آوردهای مهمی نرسیده اند. برابری در جوامع غربی تا حد بالایی متحقق شده است. یکی از آنها نیز همین شرکت زنان در پارلمانها و مجامع دیگر است. اما این نشان دهنده آزادی کامل نمیشد. چون تفکرات و فرهنگ مرد سالارانه هنوز در اذهان جامعه به کل از بین نرفته. این در مورد خود زنها نیز صدق میکند.

البته این موضوع نیز قابل ذکر است که زنها در جوامع غربی همین حقوق را هم به راحتی به دست نیآورده اند و این هدیه ای از جامعه مرد سالار نبوده است، بلکه ثمره تلاش زنان رادیکال و آزادیخواه به همراه مردانی است که برای آزادی و برابری مبارزه کرده اند. هشت مارس سندی تاریخی برای این موضوع میباشد.

نشریه آزادی زن از
نقدها و پیشنهادات شما
استقبال می کند.
مطالب، انتقادات و
پیشنهادات خود را برای
ما ارسال کنید.

نه اینکه با سرکوفت و لمپنیسم وی را از پیشرفت و ترقی باز دارد. این مشکلات تنها برای زنان نیست و مردان نیز مشکلات خاص خود را دارند.

در ضمن تجربه‌ی استفاده از زنان به جای مردان تا به حال نتیجه منفی نداشته و حتی

تفکرات و فرهنگ مرد سالارانه هنوز در اذهان جامعه به کل از بین نرفته. این در مورد خود زنها نیز صدق میکند.

متأسفانه در بسیاری از جوامع مالکان و سایل تولید سرمایه از نیروی کار زنان بیشتر از مردان استفاده میکنند و هیچگاه از این مسائل شکایتی ندارند. اما وقتی جایی میرسد که یک زن میخواید بر روی پای خود بایستند این مسائل را رو میکنند. ابتدا از راه ناموس پرستی، مذهب و سنت وارد شده و در آخرین حالت برای فرار از اتهام دست به چنین توجیهاتی میزنند. همانند به اصطلاح متفکرین اسلامی در اوایل انقلاب ۵۷ که بطور مثال برای حجاب دلیل‌های بی پایه و اساس علمی می‌آوردند، که موی زن برای مردان سرطان زاست و باید پوشانده شود. در واقع این موضوع آخر برای هر دو قشر کارگر چه زن و چه مرد وجود دارد. زنها را به عنوان جنس ضعیف مطرح کرده و با تلقین افکار تعصب آمیز در مردان جامعه، از پیشرفت زنان توسط خود مردان طبقه‌ی زحمتکش اجتماع جلوگیری میکنند. در مورد مردان نیز از راههای دیگر وارد میشوند. در واقع همین به

برابری زن و مرد نیاز به معنی کردن ندارد. خود کلمه‌ی برابری بیانگر تمام مفهوم میباشد. وقتی از برابری در حقوق اجتماعی زن و مرد یا برابری در آزادی پوشش صحبت نمیکنیم و فقط می‌گوییم برابری، یعنی یک خواست کلی. در واقع از نظر ما به زن و مرد باید به چشم یک انسان نگاه کرد و آزادیهایی که حق هر انسانی است برای هر دو جنس به یکسان باید در نظر گرفته شود. هر انسانی در حالت شخصی و کل انسانها در حالت عمومی دارای آزادیهایی هستند که به صورت اکتسابی قابل دریافت است و این خواستها در جوامع مدنی به عنوان ارزش شناخته شده اند و باید برای هر انسانی به یکسان و کامل اجرا شود.

در مورد اینکه آیا یک زن میتواند در اداره یا محل کار به خاطر شرایط جسمانی متفاوت با مرد همان بازده را داشته باشد و آیا برای او مشکلی پیش نخواهد آمد، همانطوری که گفتن حقوق انسانی تنها حالت عمومی ندارد بلکه در حالت فردی و شخصی نیز قابل بررسی است. به هر حال هر

به بند کشیدن زنان و استفاده از نیروی کار آنها خود یکی از عوامل سرکوب کارگران مرد است، که باید برای تهیه مایحتاج زندگی خود وابسته و پایین بمانند. بنابراین آزادی زن راهی برای آزادی کل جامعه میباشد.

انسان در زندگی فردی خود دارای مشکلاتی است. اما مسئله اینجاست که میتواند با این مشکلات کنار بیاید و جامعه هم باید در این امر به او کمک کند.

به سازمان آزادی زن بپیوندید

گزارش مراسم ۱۸ تیر ۸۶ در گوتنبرگ سوئد

آکسیون و میز اطلاعاتی به مناسبت سالروز ۱۸ تیر در شهر گوتنبرگ سوئد با پرچم آزادی و برابری، با پرچم آزادی زندانیان سیاسی، با پرچم آزادی بیان - تشکل - تجمع - اعتراض و اعتصاب و با پرچم نه به رژیم اسلامی برگزار شد!

به فراخوان مرکز پیگرد سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه مردم روز دوشنبه ۹ ژوئیه از ساعت یک بعد از ظهر میز اطلاعاتی توسط مرکز پیگرد سران جمهوری اسلامی به جرم

در طول آکسیون از میز اطلاعاتی صدها نسخه اطلاعیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در مورد ۱۸ تیر به زبان سوئدی و فارسی و بروشور مرکز پیگرد پخش گردید. همچنین نمایشگاهی از مبارزات مردم، و صحنه‌هایی از جنایات و سرکوب مردم توسط رژیم اسلامی در معرض دید عموم قرار گرفت. صدها امضاء در حمایت از مبارزات مردم ایران جمع آوری و مقدار ۵۰۰ کرون سوئد کمک مالی جمع شد.



همچنین به فراخوان تشکیلات گوتنبرگ حککا در روز شنبه ۷ ژوئیه تظاهراتی به مناسبت سالروز ۱۸ تیر در گوتنبرگ برگزار گردید. اعضا و کادرهای حزب اتحاد کمونیسم کارگری در راستای اتحاد صفوف جنبش کمونیسم کارگری در این تظاهرات شرکت کردند و از تریبون این تظاهرات کریم نوری پیام حزب اتحاد کمونیسم کارگری و بیروین یوسفیان پیام سازمان آزادی زن را به مناسبت ۱۸ تیر قرائت کردند.

شهلا نوری
۱۸ تیر ۸۶

جنایت علیه مردم و سازمان آزادی زن برگزار شد. در ادامه از ساعت ۱۶ تا ۱۸ آکسیونی به همین مناسبت برگزار گردید که با استقبال ایرانیان مقیم شهر گوتنبرگ روبرو گردید. در این آکسیون شخصیت‌های سیاسی شهر حضور داشتند. پلاکاردهای مرگ بر جمهوری اسلامی، سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه مردم باید محاکمه شوند، زنده باد آزادی، زنده باد برابری و شعارهایی با مضمون حمایت از مبارزات مردم و خواست آزادی زندانیان سیاسی از تریبون آکسیون پخش میشد که توجه و حمایت مردم زیادی را به مبارزات مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی جلب کرده بود.

یک خبر خوب

ایجاد میکند. زنان بطور مداوم، برای جلب توجه مردم به درد و رنج و پریشانی خود مجبور به اعتراض، تظاهرات و اعتصاب غذا هستند. در نامه‌ای که گروهی از این زنان که دست به اعتصاب غذا زده بودند منتشر کرده اند آمده است:

"ما به عنوان مادر بزرگها، مادران، خواهران و دختران شما این نامه را مینویسیم. ما قربانیان تجاوز جنسی، شکنجه و آزار هستیم و مجبور شده ایم کشورهای خود را برای یافتن سرپناه و امنیت ترک کنیم. اقدام به خودکشی زیاد است، مادران باردار کودکان خود را از دست داده اند و درد و رنج بی پایان است. وقتی که زمان اخراج ما فرامی‌رسد ما را بی رحمانه میزنند، دست و پای ما را میبندند و ما را با غیر انسانی‌ترین وضعی مجروح میکنند."

بعد از این اعتصاب غذا تعدادی از زنان آزاد شدند و زنی که از کودک شیرخوارش جدا شده بود اجازه پیدا کرد بچه‌اش را شیر بدهد. فرهنگ خان، زن مبارز پاکستانی نیز اجازه اقامت گرفت. برای اطلاعات بیشتر به زبان انگلیسی به سایتهای زیر مراجعه کنید:

www.refugeewomen.com

www.womenagainstrape.net

یک زن پاکستانی به نام فرهنگ خان بعد از ۶ سال مبارزه با اداره مهاجرت انگلستان برای احقاق حقوق خود و سایر زنان پناهجوی مشابه، بالاخره موفق به دریافت اجازه اقامت شد. وی ۶ سال پیش برای فرار از خشونت و نجات دختران خود از ازدواج اجباری، همراه با دختران خود از پاکستان فرار کرد و به انگلستان پناهنده شد. تقاضای اقامت او مورد قبول مقامات اداره مهاجرت انگلستان قرار نگرفت و فرهنگ مجبور شد دست به مبارزهای جسورانه و همه جانبه برای احقاق حق پناهندگی خود و سایر زنانی که از نکبت اسلام سیاسی و تفکر ضد زن و ضد انسان در آن فرار کرده اند بزند.

حقایق چند در این مورد

۵۰ درصد زنانی که در انگلستان تقاضای پناهندگی میکنند و ۷۰ درصد از زنانی که در بازداشت بسر میبرند مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند و یا از خطر تجاوز فرار کرده اند. با اینحال قوانین سخت پناهندگی روز به روز موانع جدیدی بر سر راه این زنان برای برخورداری از امنیت و سرپناه مطمئن که طبق قوانین بین المللی باید به آنها داده شود،

صفحه ضد فیلتر
خوب و دیدنی

[http://
mizgerdazadi-
zan.wordpress.com/](http://mizgerdazadi-zan.wordpress.com/)

ستم بر زن موقوف!

دستاورد های مرجان ساتراپی

خلاصه شده از مقاله‌ای نوشته کمین محمدی در سایت واشنگتن پریزم



یعنی جایی که مرجان از سال ۱۹۹۷ در آن اقامت داشته است. سپس در تمام جهان طوفان به پا کرد. در فرانسه فروش کتابهای کارتون مرجان از مرز ۴۰۰ هزار نسخه گذشته است. این میزان در سطح جهان به بیش از یک میلیون رسیده است. این کتابها به ۲۰ زبان نیز ترجمه شده اند. در آمریکا خواندن آنها برای دانش آموزان و دانشجویان ضروریست، و در پاییز گذشته در برنامه درسی ۱۶۰ دبیرستان و دانشگاه گنجانده شدند. این آثار نه در بخش کتاب های ادبی، هنری و یا مصور، که در قسمت کتب سیاسی کتابفروشیها عرضه میشوند.

مرجان ساتراپی در سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸) در رشت در شمال ایران متولد، و در تهران بزرگ شد. او در تهران به مدرسه فرانسه زبان رازی رفت. سپس درس خود را در وین و استرازابورگ فرانسه در رشته هنرهای تزئینی دنبال کرد.

کتابهای مصور وی داستان خردسالی و نوجوانی اوست، که از سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) آغاز میشود که کودکی ۸ ساله بود. مرجان در این سن شاهد وقوع انقلاب و خلع پد از آخرین شاه ایران، و استقرار جمهوری اسلامی بوده است. مرجان

مطبوعات فرانسه در مورد همه چیزهای دیگر نیز، مانند سیاست اختلاف دیدگاه دارند. بنابراین غیرعادی است که در مورد موضوعی هم عقیده باشند. اما وقتی نوبت به استقبال از فیلم کارتون "پرسپولیس" کار جدید "مرجان ساتراپی" میرسد، یک صدا هستند. چراکه روزنامه‌ها همگی کار مرجان را در مورد شکستن کلیشه های مردم و سرزمین ایران، عالی و بسیار موفق میدانند. حتی "گلوبس" استینم" تا آنجا پیش رفته که اعلام نموده "ممکنست مرجان ساتراپی با این فیلم، سبکی جدید خلق کرده باشد."

فیلم نامبرده بر اساس دو کتاب مصور پرفروش مرجان ساتراپی یعنی "پرسپولیس I" و "پرسپولیس ۲" (در فرانسه 4 جلد)، ساخته شده است. طنز طعنه آمیز در اینجاست که تنها کشوری که در مورد این فیلم موضعی منفی گرفته، جمهوری اسلامی ایران است. یعنی کشوری که فیلم مذکور به تمام پپیدگی‌هایش نظر میکند. بر اساس گزارش رسانه‌ها، جمهوری اسلامی ایران سفیر فرانسه را احضار و با ضد ایرانی خواندن پرسپولیس، به نمایش این محصول در "جشنواره فیلم کن" اعتراض کرد و خواهان کناره‌گذاشتن آن از بخش رقابت های این جشنواره شد. یکی از مقامات فرهنگی در سفارت ایران در بانکوک گفت: "این فیلم تصویری غلط و غیرواقعی از مردم ایران ارائه میدهد. چراکه تهیه کنندگان آن مردم ایران را نومید و ناراضی از انقلاب اسلامی نشان میدهند. فیلم نیز مانند کتابهای مأخذ خود، دیدگاه شخصی کودکیست که در دوره ای متلاطم یعنی زمان انقلاب سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) و جنگ ۸ ساله با عراق، بزرگ می شود. کتاب نخست در سال ۲۰۰۰ در فرانسه منتشر شد.

سرکوبهای جدید رژیم

از صفحه ۲

خیابانها اوباش و سرکوب گران رژیم به صف شده بودند و فرمانده آنان داشت حرف میزد و بر روی این نکته تاکید داشت که هرکسی که دارای وضعی غیر اسلامی و بد حجاب است مخالف نظام است و زدن آنها واجب است و شما یک خشت بر دیواری در بهشت برای خود خواهید ساخت. این هم حاکی از افکار پوسیده و طالبانی حکومت است.

امکان دارد بعد از شکست قابل پیشبینی این طرح، رژیم سرکوب را شدیدتر کند و جامعه را به نقطه جوش و در حد انفجار برساند. این امر هم قابل پیش بینی است و روزهای به شدت سخت و تاین کننده در انتظار حکومت و مردم است. امکان دارد که غلتک سنگین نارضیاتی و خشم مردم و جوانان که خواهان تغییر این جهان وارونه هستند دارودسته رژیم را زیر خود له کند.

پدرام شایان

صورت گویا و آشکار به حکومت طالبان شباهت داده است. به طور مثال در روزهای پنجشنبه و جمعه که به اصطلاح برای قشر متوسط جامعه بعد از یک هفته جان کندن روزهای فراغت است، عوامل رژیم تمام چراغها و نور افکنهای پارکها را خاموش میکنند و یا با خیس کردن چمن پارکها میخواهند از آمدن مردم به بیرون جلو گیری کنند. رژیم تعداد اعدامها، دست و انگشت قطع کردنها و گوش بریدن در ملأ عام را به شدت افزایش داده است. در یکی از صحنه‌های جنایت رژیم خود من حضور داشتم که مراسم به دار آویختن یک قربانی رژیم بود. در جلو چشم مردم و حتی کودکان در حال جنایت بودند. بعد از انداختن طناب جنایت بر گردن آن مرد پچ پچ‌ها و حرف زدن میان مردم شروع شد. همه به کل علیه این اعمال زشت و ضد انسانی سخن میگفتند. یکی از مزدوران رژیم دستور داد تا ماشین طناب را بالا بکشد و فریاد زشت الله اکبر یکی از آدمکشان رژیم بلند شد. در همین زمان بود که اکثر مردمی که در صحنه حاضر بودند در یک حرکت خودجوش پشت به طرف صحنه جنایت کردند و به خانه رفتند.

به نظر من این تعرض گسترده رژیم به مردم حاصل وحشت و استیصال و نا کار آمدی حکومت است. مردم در خیابانها، اتوبوسهای واحد، تاکسیها و صفهای ناوایی و بزین، سخن از پایان عمر رژیم و آشفتگی و دست پاچگی نظام میزنند. یکی از دلایل آن بن بست اقتصادی شدیدی است که رژیم به شدت در آن گیر کرده و داد همه را درآورده است. ابتدایی ترین نیازهای مردم روز به روز گرانتر و غیر قابل خریدن میشوند و رژیم در این موقع هر حرکتی، حتی از جانب خودیها را براندازی تلقی میکند. در یکی از

از سایت آزادی
زن دیدن کنید!

www.azadizan.com
Www.azadizan.net

مطالعه آزادی زن
را به دوستانتان
نیز توصیه کنید!

آزادی، برابری و سوسیالیسم نیاز جامعه انسانی است

دستاوردهای مرجان ساتراپی ...

از صفحه ۴

اخبار هفته

آن کودک ۱۲ ساله که در عمرش یک بار هم پشت فرمان ننشسته بود. و شاید حتی معنی سهمیه بندی را نمی دانست.

استقرار پلیس در تمام خیابانها و پارکها
از هفته آینده برخورد با زنان به اصطلاح بدپوش تشدید میشود، تعداد گشت های سیار پلیس افزایش میابد و تعداد ماموران پلیس دو برابر میشود. پس از مانورهای گشتهای پلیس و پاسدار در سطح شهر رئیس پلیس تهران تشدید چندباره برخورد با پوشش زنان را اعلام کرد و گفت تعداد ماموران پلیس به کار گرفته شده از اول مردادماه دو برابر میشود. وی از اضافه شدن مکانهای جدید و استقرار ماموران بیشتر در این اماکن خبر داد و گفت از اول مرداد گشتهای ارشاد چند برابر میشود و تمام معابر و خیابانهای تهران و نیز پارکها و تفرجگاهها تحت پوشش (حمله) نیروهای گشت قرار میگیرند.

در ایران از 1.5 میلیون زن سرپرست خانواده فقط 110 هزار نفر بیمه هستند

طبق آمار به دست آمده در سال گذشته، 1.5 میلیون زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد. از این تعداد فقط 110 هزار نفر تحت بیمه خدمات بهداشتی قرار گرفتهاند. خانوادههایی که زنان سرپرست آن هستند، فقیرتر از خانوادههایی هستند که مردان سرپرست آن هستند. تعداد زیادی از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش هیچ ارگانی قرار ندارند

در دادگاه فاش شد: تجاوز قبل از قتل ناموسی

لندن - یک زن کرد، توسط اعضای خانواده و دوستانش، بیرحمانه مورد تجاوز قرار گرفت، کتک خورد و سرانجام خفه شد، زیرا او عاشق مردی "عوضی" بود.

مشروح این خبر را در شماره آینده بخوانید.

یک نوزاد دختر هندی پس از زنده به گور شدن از مرگ نجات پیدا کرد

این نوزاد دو روزه که پس از تولد تغذیه نشده بود به وسیله یک کشاورز در نزدیکی روستایی در ۱۵۰ کیلومتری حیدرآباد نجات داده شد. به گفته این شخص او با دیدن دست کوچکی که از زیر خاک بیرون زده شده بود، متوجه دفن شدن این نوزاد در آن مکان شده بود. در این حال پلیس از بازداشت عبدالرحمن پدر بزرگ این نوزاد خبر داده اند. عبدالرحمن به پلیس گفته با داشتن چهار فرزند دختر در خانه، از پس تامین مخارج یک نوه دختر بر نمی آمده است.

سقط جنین و کشتن نوزادان دختر در برخی از نواحی روستایی هند که در آنها فرزندان دختر از پسران کم ارزش تر هستند و خانواده ها به خاطر تهیه جهیزیه تحت فشار مالی قرار میگیرند، هنوز رواج دارد. بر اساس آمار دولتی هند، در حدود ده میلیون جنین یا نوزاد دختر در دو دهه گذشته به قتل رسیده اند.

پنج میلیون برای تحویل اجساد قربانیان بنزین در یاسوج

شاید قصه بنزین از نظر آنهایی که مردم را به سکوت دعوت کردند تمام شد. و شاید آب هم از شهر کوچک یاسوج قصه همچنان ادامه دارد. مگر میشود جسد فرزند را در آغوش گرفت و قبول کرد همه چیز تمام شده. تازه اگر پنج میلیون داشته باشی تا بتوانی جسد فرزندت را تحویل بگیری! شاید به قول آنها فقط سه نفر با شلیک گلوله در آن روز کشته شدند. اما در یک شهر کوچک هیچ چیزی قابل مخفی کردن نیست. به خصوص جسد



خردسسال رخسادهای تاریخی مانند امید فراوانی که پس از رفتن شاه به آزادی پدید آمد، وحشت تماشای حکومت دینی و سرکوبگر که جایگزین آن شد، زندگی در جنگ با عراق و دست به گریبانی با ماهیت رک خود را، با طنز، اندوه و احساسی بازیگوشانه، به تصویر میکشد.

کرده بودند. در این فیلم هنرمندان مشهور کشور فرانسه مانند "کاترین دونو،" "دنیل داریسو" و "شیرا ماسترویانی" (به عنوان مرجان بزرگسال)، به جای شخصیتهای آن صحبت کرده اند.

به رغم مخالفت جمهوری اسلامی، پرسپولیس در "جشنواره فیلم کن" اکران شد و "جایزه هیئت داوران کن" را از آن خود کرد. در پایان نمایش آن، تماشاگران، خبرنگاران و منتقدان حاضر در سالن در حالی که به پا خواسته بودند، ۲۰ دقیقه برایش دست زدند. مرجان جایزه خود را به ملت ایران تقدیم کرد.

وقتی مرجان ساتراپی برای گرفتن جایزه به روی صحنه رفت، در حالی که اشک در چشمانش جمع شده بود در مصاحبه با خبرنگاری فرانسه گفت: "این محصول خواهان عشق و صلح میباشد."

سایت واشنگتن پریزم

کتابهای مرجان پیش از معرفی و کسب شهرت در سایر نقاط جهان، جایزه های معتبر متعددی را در جشنواره های کتابهای مصور فرانسه از آن خود کرد. "گلدوزی" و "خورش مرغ با آلو"، از دیگر کتابهای وی میباشند. او چندین کتاب کودکان نیز نوشته که از جمله میتوان به "هیولاها از ماه میترسند"، اشاره کرد. سبک وی به "خودگرافی" مشهور شده است.

"فیلم پرسپولیس" از ترکیب کتابهای چهارگانه مرجان به همین نام، و با هزینه اندک ۸ میلیون دلار (در مقایسه با استانداردهای هالیوود) ساخته شده است. تولید این محصول ۳ سال به طول انجامید. "ونسان پارونو" که به همراه مرجان کتابهای پرسپولیس را نوشته، و ۸۰ تن دیگر برای به روی پرده نقره ای بردن نقاشیهای مرجان از زندگی خود، تلاش کرده اند. از جمله این افراد کسانی هستند که برای آخرین فیلم های کارتونی فرانسه با استفاده از آخرین امکانات موجود، کار

خشونت علیه زنان موقوف!



علیه آپارتاید جنسی در ایران

آپارتاید جنسی، تقسیم و جدایی انسانها بر مبنای جنسیت، یکی از اشکال زشت و کریه زن ستیزی و تبعیض علیه انسانها در برخی از جوامع کنونی و جمهوری اسلامی بطور مشخص است. آپارتاید جنسی سیستمی است که دولتها و جریانات اسلام سیاسی به زور بر مردم تحمیل کرده اند. آپارتاید جنسی سیاستی شنیع و همطراز آپارتاید نژادی است و همچون آپارتاید نژادی باید از جامعه بشری طرد شود. زن و مرد باید در تمامی شئون زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برابر باشند. بشریت متمدن نباید اجازه دهد که در هیچ گوشه ای از جهان چنین رفتار شنیعی با انسانها شود.

از اینرو ما امضا کنندگان زیر خواهان:

1. محکومیت سیستم آپارتاید جنسی توسط کلیه مجامع بین المللی و حقوق بشری هستیم.
2. محکومیت رژیم اسلامی ایران بمثابه سمبل سیستم آپارتاید جنسی در جهان هستیم.
3. اخراج دولتهای مبتنی بر آپارتاید جنسی از کلیه مجامع بین المللی هستیم.

برای امضاء دادخواست علیه حکومت اسلامی ایران به سایت زیر مراجعه کنید و آدرس سایت را به دوستان خود بدهید:

<http://www.againstgenderapartheid.com/>

عکسهائی از مراسم 18 تیر 86
در گوتنبرگ سوئد



رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سرمدبیر نشریه
پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 020

دستیاران سردبیر

نیاز قاندى
اسماعیل اوجی

ستم بر زن موقوف = نه به آپارتاید جنسی!